

3091
1000
✓ 19
نکته

www.KitaboSunnat.com

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً

لِمَن يَخْشَى^(۱)

(نازعات، ۲۶)

۱. به یقین در این، عبرتی است برای کسی که (از نافرمانی خدا) بترسد.

هزار و یک

حکایت عبرت انگیز

محمّد حسین محمّدی

سرشناسه	: محمدی، محمدحسین، ۱۳۴۵ -
عنوان و نام پدیدآور	: هزار و یک حکایت عبرت انگیز / محمدحسین محمدی.
مشخصات نشر	: قم: زمینه سازان ظهور امام عصر (عج)، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۷۸۳ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۸۰۳-۳۵-۵
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: کتاب حاضر قبلاً در سال های مختلف توسط ناشران متفاوت منتشر شده است.
یادداشت	: کتابنامه به صورت زیرنویس.
موضوع	: داستان های اخلاقی -- قرن ۱۴
موضوع	: Ethical fiction* -- 20th century
موضوع	: داستان های مذهبی -- قرن ۱۴
موضوع	: Religious fiction -- 20th century
رده بندی کنگره	: BP۲۴۹/۵
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۶۸
شماره کتابخانه ملی	: ۵۷۷۱۵۲۵



هزار و یک حکایت عبرت انگیز

مولف: محمد حسین محمدی

ناشر: زمینه سازان ظهور امام عصر

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۸۵۰۰۰ تومان

نوبت و سال چاپ: اول ۱۳۹۸

چاپخانه: زمزم

مراکز پخش:

دفتر فروش قم: خ ارم، پاساژ قدس، طبقه آخر، پلاک ۱۷۶

تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۳۲۷۰۷

همراه: ۰۹۱۲۱۵۲۱۵۸۴-۰۹۹۲۳۴۴۴۲۸۵

قم: ۳۰ متری کلهری، خیابان امام رضا (ع)، چهارراه دوم، انتشارات آل نبی

همراه: ۰۹۱۲۶۵۲۸۸۰۲

فهرست مطالب

بخش دوم: اندرزهای ارزنده

۴۸	حکایت ۲۳	تشت طلا و پرنده
۴۹	حکایت ۲۴	واعظ درونی
۵۰	حکایت ۲۵	زرنگ
۵۰	حکایت ۲۶	نصایح حضرت «ادریس» (ع)
۵۱	حکایت ۲۷	آیات و افتخارات
۵۲	حکایت ۲۸	گدای سامره
۵۳	حکایت ۲۹	روز شوم
۵۳	حکایت ۳۰	مرگ و تب
۵۳	حکایت ۳۱	اندرز شیخ
۵۴	حکایت ۳۲	قیمت حکومت
۵۵	حکایت ۳۳	اندرز گنجشک
۵۶	حکایت ۳۴	اندرز تقوا
۵۶	حکایت ۳۵	دو موعظه
۵۷	حکایت ۳۶	شرم حضور
۵۸	حکایت ۳۷	درس معطل
۵۸	حکایت ۳۸	پندهای «لقمان حکیم»
۵۹	حکایت ۳۹	عروس ایمان
۶۶	حکایت ۴۰	روز امان
۶۷	حکایت ۴۱	موعظه
۶۷	حکایت ۴۲	موعظه‌ای یک مرد اعدایی
۶۸	حکایت ۴۳	سوگند شیطان
۶۸	حکایت ۴۴	اندرز خواه
۶۹	حکایت ۴۵	مرده‌ای میان مردگان
۷۰	حکایت ۴۶	تصویری از قیامت
۷۰	حکایت ۴۷	قدمی به پیش
۷۲	حکایت ۴۸	پندهای لقمان به پسرش

پیش گفتار ۲۳

بخش اول: عبرت‌های قرآنی

۳۲	حکایت ۱	باغ خاکستری
۳۳	حکایت ۲	خبر مرگ
۳۳	حکایت ۳	گفت و گوی دو شیطان
۳۴	حکایت ۴	شاهان پاییزی
۳۴	حکایت ۵	مسئولیت مرگانی
۳۵	حکایت ۶	مسئولیت منزل و مسکن
۳۵	حکایت ۷	پزشکی «الینوس»
۳۶	حکایت ۸	عرض تسلیم
۳۶	حکایت ۹	«بهلول» و قصر «موکل»
۳۷	حکایت ۱۰	نگارش بسمله
۳۷	حکایت ۱۱	درس هندسه
۳۷	حکایت ۱۲	شکسته دلی
۳۸	حکایت ۱۳	دو باغ بهشتی
	حکایت ۱۴	ادب حضور در محضر رسول (ص)
۳۹	حکایت ۱۵	جایگاه بهشت و دوزخ
۴۰	حکایت ۱۶	سؤال امام باقر از قتاده
۴۲	حکایت ۱۷	«ناپلئون» و قرآن
۴۳	حکایت ۱۸	ده برابر
۴۳	حکایت ۱۹	فرمان پادشاه پادشاهان
۴۵	حکایت ۲۰	جهیزیه‌ای بی نظیر
۴۵	حکایت ۲۱	معبود منکوب
۴۶	حکایت ۲۲	بار گناه!

بخش سوم: نقامی و سخن چینی

حکایت ۴۹	تارهای فتنه.....	۷۴
حکایت ۵۰	راز سر به مهر.....	۷۵
حکایت ۵۱	هزار تازیانه‌ی مرگبار.....	۷۵
حکایت ۵۲	فتنه‌ی چکمه پوش.....	۷۶
حکایت ۵۳	مانع نزول باران.....	۷۷
حکایت ۵۴	نتیجه‌ی فاش کردن راز.....	۷۷
حکایت ۵۵	مزد سخن چین.....	۷۸
حکایت ۷۴	ماجرای «کنیسه‌ی حافر».....	۹۶
حکایت ۷۵	جواب پیامبر.....	۹۷
حکایت ۷۶	عزاداری.....	۹۸
حکایت ۷۷	گریاندن چهل جوان.....	۹۹
حکایت ۷۸	شتر صالح.....	۱۰۰
حکایت ۷۹	سیاهی لشکر.....	۱۰۰
حکایت ۸۰	نور «امام حسین» (ع).....	۱۰۱

بخش هفتم: بیم و امید

حکایت ۸۱	خوف و رجای «سلمان».....	۱۰۴
حکایت ۸۲	امام «مجتبی» (ع) از چه می‌ترسید؟.....	۱۰۵
حکایت ۸۳	پیاده روی حضرت مجتبی (ع) ..	۱۰۵
حکایت ۸۴	جوان رنجور.....	۱۰۶
حکایت ۸۵	ترس واقعی و جلوگیری از گناه.....	۱۰۷
حکایت ۸۶	توجه به خدا.....	۱۰۹
حکایت ۸۷	شب های امام علی (ع).....	۱۱۰
حکایت ۸۸	امادگی برای روزی چنان.....	۱۱۲
حکایت ۸۹	ایمان ترسان.....	۱۱۳
حکایت ۹۰	نفرن حضرت ابراهیم (ع) و رحمت خدا.....	۱۱۴
حکایت ۹۱	رحمت خدا شامل مؤمن گنه کار.....	۱۱۶

بخش هشتم: عبرت‌های هیچ البلاء

حکایت ۹۲	جای پا.....	۱۱۸
حکایت ۹۳	آفرینش دقیق مورچه.....	۱۱۸
حکایت ۹۴	حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ.....	۱۱۸
حکایت ۹۵	وقت آمدن و رفتن.....	۱۲۲
حکایت ۹۶	هزار بار.....	۱۲۲

بخش چهارم: حکایات بیهوش و بیهوشی

حکایت ۵۶	تخت پادشاهی.....	۸۰
حکایت ۵۷	بخت نادمه.....	۸۰
حکایت ۵۸	فقر حقیقی.....	۸۱
حکایت ۵۹	سلام بر خدا.....	۸۱
حکایت ۶۰	«جنید بغدادی» و «بهلول».....	۸۲
حکایت ۶۱	دوری از گناه.....	۸۳
حکایت ۶۲	عقلای شهر.....	۸۴
حکایت ۶۳	سلامت نفس.....	۸۲
حکایت ۶۴	پندهای «بهلول» به «هارون».....	۸۵
حکایت ۶۵	شکسته شدن غرور هارون.....	۸۵

بخش پنجم: مکافات عمل

حکایت ۶۶	گدا.....	۸۸
حکایت ۶۷	گربه‌ای شعله‌ور.....	۸۸
حکایت ۶۸	هر چه کنی به خود کنی.....	۸۹
حکایت ۶۹	گواهی مرغان.....	۹۰
حکایت ۷۰	بذر انفاق.....	۹۱
حکایت ۷۱	درون کس مخراش.....	۹۲
حکایت ۷۲	کاخ سران.....	۹۳
حکایت ۷۳	پیرمرد و مکافات.....	۹۴

حکایت ۹۷ عدالت بی نظیر ۱۲۲	حکایت ۱۲۴ «نافع ابن مالک» ۱۴۱
حکایت ۹۸ بر باد رفته ۱۲۳	حکایت ۱۲۵ «حارث بن بشیر» ۱۴۱
حکایت ۹۹ هشدار علوی ۱۲۳	حکایت ۱۲۶ «قاسم ابن جارود» ۱۴۲
حکایت ۱۰۰ امالی دیار وحشت ۱۲۴	حکایت ۱۲۷ «حارث ابن نوفل» ۱۴۲
حکایت ۱۰۱ ابلیس و شش هزار سال عبادت ۱۲۴	حکایت ۱۲۸ «رقاد بن مالک بجلی» ۱۴۲
حکایت ۱۰۲ پیامبر در آینه‌ی امام علی ۱۲۵	حکایت ۱۲۹ چهار جنایتکار دیگر ۱۴۳
حکایت ۱۰۳ قرآن محوری در سفارش امام علی ۱۲۷	حکایت ۱۳۰ «عثمان ابن خالد جهنی» ۱۴۳
حکایت ۱۰۴ شرایط استغفار و توبه ۱۲۸	حکایت ۱۳۱ سه جنایتکار دیگر ۱۴۳
حکایت ۱۰۵ جای پای در بهشت پهن‌آور ۱۲۸	حکایت ۱۳۲ «عثمان ابن خالد دهمانی» ۱۴۳
حکایت ۱۰۶ فلسفه‌ی آزمایش‌های الهی ... ۱۲۹	حکایت ۱۳۳ دو جنایتکار دیگر ۱۴۳
حکایت ۱۰۷ اِنَّا لِلّٰهِ ۱۲۹	حکایت ۱۳۴ سرانجام یزید پلید ۱۴۴
	حکایت ۱۳۵ سرانجام «ابن زیاد» ۱۴۵
	حکایت ۱۳۶ جولان بر بدن امام حسین (ع) ۱۴۶
	حکایت ۱۳۷ سرانجام ساریان ۱۴۷
	حکایت ۱۳۸ سرانجام یاری نکردن امام ۱۴۸

بخش نهم: پیام جنایتکاران و بلا

حکایت ۱۰۸ «حفص ابن عمر بن سعد» ۱۳۲
حکایت ۱۰۹ «عمر بن سعد بن وقاص» ۱۳۲
حکایت ۱۱۰ «شمر ابن ذی الجوشن» ۱۳۳
حکایت ۱۱۱ «سنان ابن آنس» ۱۳۵
حکایت ۱۱۲ «خولی ابن یزید اصبحی» ۱۳۵
حکایت ۱۱۳ «سمیه، زن دوم خولی» ۱۳۶
حکایت ۱۱۴ «بَجْدَل بن سلیم کلبی» ۱۳۷
حکایت ۱۱۵ «حرمله ابن کاهل اسدی» ۱۳۷
حکایت ۱۱۶ «حکیم ابن طفیل طائی» ۱۳۸
حکایت ۱۱۷ «مُرّة ابن منقذ عبدی» ۱۴۰
حکایت ۱۱۸ «یزید ابن رقاد جهنی» ۱۴۰
حکایت ۱۱۹ «عمرو بن صُبَیح» ۱۴۰
حکایت ۱۲۰ مالک بُدَی ۱۴۱
حکایت ۱۲۱ سه جنایتکار دیگر ۱۴۱
حکایت ۱۲۲ «مالک بن بشیر بُدَی» ۱۴۱
حکایت ۱۲۳ «عبد الله دبّاس» ۱۴۱

بخش دهم: بد فرجامان

حکایت ۱۳۹ سرانجام شوم «اصحاب رَس» ۱۵۲
حکایت ۱۴۰ «بَر صیصای عابد» ۱۵۳
حکایت ۱۴۱ سه دعای مستجاب ۱۵۴
حکایت ۱۴۲ «ایان نکبت‌بار» ۱۵۵
حکایت ۱۴۳ شگفتی‌های تاریخ ۱۵۶
حکایت ۱۴۴ مرگ ناگهانی «ابن ابی العوجا» ۱۵۹
حکایت ۱۴۵ دوست ناباب ۱۶۰
حکایت ۱۴۶ سنگی از آسمان ۱۶۰
حکایت ۱۴۷ عاقبت این تازه‌مسلمان ۱۶۱
حکایت ۱۴۸ مادر بدبخت ۱۶۱
حکایت ۱۴۹ سرانجام نگاه هوس‌آلود ۱۶۲
حکایت ۱۵۰ نتیجه‌ی مردم‌آزاری ۱۶۲
حکایت ۱۵۱ عاقبت قطع رَحِم ۱۶۳

حکایت ۱۵۲	مَنجَلابِ مَنجاب	۱۶۳	حکایت ۱۷۵	وقف نامه	۱۸۸
حکایت ۱۵۳	سرانجام بی‌اعتنائی به مؤمن ..	۱۶۴	حکایت ۱۷۶	ضرر به دنیا	۱۸۸
حکایت ۱۵۴	این هم شقی‌ترین افراد شد ...	۱۶۶	حکایت ۱۷۷	عزب	۱۸۸
حکایت ۱۵۵	سرانجام کتمان حقیقت	۱۶۷	حکایت ۱۷۸	دل‌های آخرتی	۱۹۰
حکایت ۱۵۶	سخنان جمجمه	۱۶۸	حکایت ۱۷۹	عمل جاودانه	۱۹۰
حکایت ۱۵۷	سرانجام دهن‌کجی به امام		حکایت ۱۸۰	جمع مال	۱۹۱
حکایت ۱۵۸	تو را تیشه دادند که هیزم کنی ..	۱۶۹	حکایت ۱۸۱	فتنه	۱۹۱
حکایت ۱۵۹	عاقبت دزدی	۱۷۰	حکایت ۱۸۲	موجب خوشحالی امام	۱۹۲
			حکایت ۱۸۳	میوه‌های رسیده	۱۹۲

بخش یازدهم: نصایحی از دزدان

حکایت ۱۶۰	فوت و فن دزدی	۱۷۴
حکایت ۱۶۱	دزدان‌سال	۱۷۵
حکایت ۱۶۲	غزالی و راهزنان	۱۷۵
حکایت ۱۶۳	فضل خدا بر فضیلت	۱۷۶

بخش دوازدهم: نصیحت‌های ابلیس

حکایت ۱۶۴	شیطان و حضرت نوح	۱۷۸
حکایت ۱۶۵	سه دام بزرگ شیطان	۱۷۹
حکایت ۱۶۶	سلطه‌ی شیطان	۱۷۹
حکایت ۱۶۷	محرومیت از نماز شب	۱۸۰
حکایت ۱۶۸	شیطان رنجور	۱۸۲
حکایت ۱۶۹	آزیر خطر ابلیس	۱۸۳

بخش سیزدهم: عبرت‌های احادیث

حکایت ۱۷۰	راه زاهد شدن	۱۸۶	حکایت ۱۹۸	فرصت	۱۹۹
حکایت ۱۷۱	تکریم کُل	۱۸۶	حکایت ۱۹۹	آماج تیر	۱۹۹
حکایت ۱۷۲	دین داران حقیقی	۱۸۶	حکایت ۲۰۰	مراتب بندگان	۲۰۰
حکایت ۱۷۳	روز نو	۱۸۷	حکایت ۲۰۱	پرستش سلطان	۲۰۰
حکایت ۱۷۴	بی‌پناهان	۱۸۷	حکایت ۲۰۲	فوت و فن	۲۰۰

بخش چهاردهم: عبرت‌های گلستان سعدی

حکایت ۱۸۴	شکر خدا	۱۹۴
حکایت ۱۸۵	محتاج‌تر	۱۹۴
حکایت ۱۸۶	دین فروشانِ خَر	۱۹۴
حکایت ۱۸۷	قدر عافیت	۱۹۵
حکایت ۱۸۸	همچو سرو	۱۹۵
حکایت ۱۸۹	دشمن شیرین	۱۹۶
حکایت ۱۹۰	غایت ظلم	۱۹۶
حکایت ۱۹۱	بُئش	۱۹۶
حکایت ۱۹۲	دعای خَر	۱۹۷
حکایت ۱۹۳	بهترین عبادت	۱۹۷
حکایت ۱۹۴	شرط عقل	۱۹۷
حکایت ۱۹۵	ملوک و رعیت	۱۹۸
حکایت ۱۹۶	دمار	۱۹۸
حکایت ۱۹۷	مردم‌در	۱۹۹
حکایت ۲۰۰	فرصت	۱۹۹
حکایت ۲۰۱	آماج تیر	۱۹۹
حکایت ۲۰۲	مراتب بندگان	۲۰۰
حکایت ۲۰۳	پرستش سلطان	۲۰۰
حکایت ۲۰۴	فوت و فن	۲۰۰

حکایت ۲۰۳	مردک و دام پزشک	۲۰۱	حکایت ۲۳۱	عیش بی دوام	۲۱۴
حکایت ۲۰۴	بزه ماندگار	۲۰۲	حکایت ۲۳۲	چشمه و کو هسار	۲۱۵
حکایت ۲۰۵	اشتها	۲۰۲	حکایت ۲۳۳	بوی عشق	۲۱۵
حکایت ۲۰۶	نابکار	۲۰۲	حکایت ۲۳۴	قضا و قدر	۲۱۶
حکایت ۲۰۷	یاد	۲۰۳	حکایت ۲۳۵	جای تن آسانی	۲۱۷
حکایت ۲۰۸	منجم بی ستاره	۲۰۳	حکایت ۲۳۶	لا اله الا هو	۲۱۸
حکایت ۲۰۹	بدگویان	۲۰۳	حکایت ۲۳۷	خدا خدا	۲۱۸
حکایت ۲۱۰	مردانگی	۲۰۳	حکایت ۲۳۸	اندوه قدسیان	۲۱۹
حکایت ۲۱۱	روزی و روزی ده	۲۰۳	حکایت ۲۳۹	خاکبازی	۲۱۹
حکایت ۲۱۲	هزارپا	۲۰۴	حکایت ۲۴۰	بیچاره مادر	۲۲۰
حکایت ۲۱۳	مخ در جوش و تو خاموش	۲۰۴	حکایت ۲۴۱	خانه در رود	۲۲۰
حکایت ۲۱۴	عزت و ذلت	۲۰۵	حکایت ۲۴۲	سراب	۲۲۱
حکایت ۲۱۵	میران	۲۰۵	حکایت ۲۴۳	گدایان و پادشاهان	۲۲۱
حکایت ۲۱۶	سبکیار	۲۰۵	حکایت ۲۴۴	درد	۲۲۱
حکایت ۲۱۷	هنر به چشم خداوت	۲۰۶	حکایت ۲۴۵	أُمُ الغیاب	۲۲۲
حکایت ۲۱۸	نقصان مایه و شمع و مسایه	۲۰۶	حکایت ۲۴۶	کتیبه‌ی مزار رقیه (س)	۲۲۳
بخش پانزدهم: اشعار عبرت انگیز					
حکایت ۲۱۹	نور خدا	۲۰۸	حکایت ۲۴۷	شمع ره	۲۲۳
حکایت ۲۲۰	په از سگ	۲۰۸	حکایت ۲۴۸	وقت عاشقی	۲۲۴
حکایت ۲۲۱	لذت	۲۰۹	حکایت ۲۴۹	پند دیواری	۲۲۴
حکایت ۲۲۲	خیال خام	۲۱۰	حکایت ۲۵۰	موهای سفید	۲۲۵
حکایت ۲۲۳	آخرین منزل	۲۱۰	حکایت ۲۵۱	از یاد رفته	۲۲۵
حکایت ۲۲۴	جان آدمیت	۲۱۰	حکایت ۲۵۲	واجوان	۲۲۶
حکایت ۲۲۵	راه مهتری	۲۱۱	حکایت ۲۵۳	عمر حباب	۲۲۶
حکایت ۲۲۶	کمر عهد	۲۱۱	حکایت ۲۵۴	خفاش پنهان	۲۲۷
حکایت ۲۲۷	مکافات	۲۱۲	حکایت ۲۵۵	طعن‌ی عالم به جاهل	۲۲۷
حکایت ۲۲۸	سرسری	۲۱۲	حکایت ۲۵۶	گردنه‌های عمر	۲۲۸
حکایت ۲۲۹	ویرانه باش	۲۱۳	حکایت ۲۵۷	برگ عیش	۲۲۸
حکایت ۲۳۰	کاخ من و تو	۲۱۴	حکایت ۲۵۸	فلان نماند	۲۲۹
			حکایت ۲۵۹	فرق عالم و عابد	۲۲۹
			حکایت ۲۶۰	ناله‌ی مرغ سحری	۲۲۹

حکایت ۲۸۷	قبض روح بین آسمان چهارم و پنجم
۲۵۰	
حکایت ۲۸۸	دلسوزی عزرائیل
۲۵۱	

بخش هجدهم: تصاویری از عالم برزخ

حکایت ۲۸۹	نعره‌ی شتر
۲۵۴	
حکایت ۲۹۰	سگی روی جنازه
۲۵۴	
حکایت ۲۹۱	میزبانی صاحب قبر
۲۵۵	
حکایت ۲۹۲	عذاب ابن ملجم
۲۵۷	
حکایت ۲۹۳	هدیه‌ای توهین آمیز
۲۵۸	
حکایت ۲۹۴	اطعام مردگان
۲۵۹	
حکایت ۲۹۵	نجات علامه‌ی مجلسی در برزخ
۲۵۹	
حکایت ۲۹۶	نیم شاهی
۲۶۲	

بخش نوزدهم: دنیا فروشی و دین فروشی

حکایت ۲۹۷	ماتّ الدین
۲۶۶	
حکایت ۲۹۸	سفره‌ی خلیفه
۲۶۷	
حکایت ۲۹۹	قتل شصت علوی بی‌گناه
۲۶۸	
حکایت ۳۰۰	داناترین
۲۷۰	
حکایت ۳۰۱	دینداری ابو جعفر حسینی
۲۷۰	
حکایت ۳۰۲	دینداری فرزانه‌ی دزفول
۲۷۱	
حکایت ۳۰۳	اسیر تخت شاهی
۲۷۱	
حکایت ۳۰۴	دین فروشی سمره
۲۷۲	
حکایت ۳۰۵	دنیادوستی طلحه و زبیر
۲۷۳	
حکایت ۳۰۶	عقیل
۲۷۵	
حکایت ۳۰۷	بنده یا آزاد
۲۷۵	
حکایت ۳۰۸	این کتاب را برای شمع دلیوی
.....	نخوان
۲۷۶	

حکایت ۲۶۱	سرداران بی سر
۲۳۰	
حکایت ۲۶۲	کدو و چنار
۲۳۰	
حکایت ۲۶۳	ادب، مایه‌ی ایمان
۲۳۱	
حکایت ۲۶۴	حیف از تو
۲۳۱	
حکایت ۲۶۵	آزاد
۲۳۲	
حکایت ۲۶۶	بار منت
۲۳۲	
حکایت ۲۶۷	دیده‌ی مجنون
۲۳۳	
حکایت ۲۶۸	غفلت
۲۳۴	

بخش شانزدهم: زهد و پارسایی

حکایت ۲۶۹	نان چرب و نرم
۲۳۶	
حکایت ۲۷۰	مسافر خانه
۲۳۶	
حکایت ۲۷۱	ماقبت بقوا
۲۳۶	
حکایت ۲۷۲	نان مرغوب
۲۳۷	
حکایت ۲۷۳	حد و حدود زهد
۲۳۸	
حکایت ۲۷۴	حلوای نسیه
۲۳۹	
حکایت ۲۷۵	نان خالی
۲۳۹	
حکایت ۲۷۶	خوراک و پوشاک
۲۴۰	
حکایت ۲۷۷	خرقه‌ی زهد
۲۴۱	

بخش هفدهم: مرگ

حکایت ۲۷۸	اولین عضو قبض روح
۲۴۴	
حکایت ۲۷۹	قیافه‌ی مرگ
۲۴۴	
حکایت ۲۸۰	فرار از فرشته‌ی مرگ
۲۴۵	
حکایت ۲۸۱	قبض روح جنین
۲۴۶	
حکایت ۲۸۲	واعظ متکبر
۲۴۶	
حکایت ۲۸۳	مرگ کنار گونی‌های اسکناس
۲۴۶	
حکایت ۲۸۴	مرگ عبرت آموز مأمون
۲۴۷	
حکایت ۲۸۵	سرانجام جلاد تاریخ
۲۴۹	
حکایت ۲۸۶	مرگ معاویه
۲۴۹	

بخش بیستم: چشم پرزخی

حکایت ۳۰۹	چشم پرزخی	۲۷۸
حکایت ۳۱۰	مکاشفه‌ای غمناک	۲۷۸
حکایت ۳۱۱	فتنه	۲۷۹
حکایت ۳۱۲	مردزن نما	۲۸۰
حکایت ۳۱۳	باغ وحش	۲۸۰
حکایت ۳۳۶	همشین	۲۸۷
حکایت ۳۳۷	گریه‌ی طاووس	۲۸۷
حکایت ۳۳۸	نامطلوب	۲۸۷
حکایت ۳۳۹	شنیدنی	۲۸۷
حکایت ۳۴۰	عبرت و عبرت	۲۸۸
حکایت ۳۴۱	چند قرن مهلت	۲۸۸
حکایت ۳۴۲	در آرزوی مهمان	۲۸۸
حکایت ۳۴۳	سایه‌ی دنیا	۲۸۸
حکایت ۳۴۴	اوراق معرفت	۲۸۹
حکایت ۳۴۵	اشتغال	۲۸۹
حکایت ۳۴۶	آدمیت	۲۸۹
حکایت ۳۴۷	هشدار امام سجاده (ع)	۲۸۹
حکایت ۳۴۸	خطا	۲۸۹
حکایت ۳۴۹	دیدار تازه	۲۹۰
حکایت ۳۵۰	بنیاد عدل	۲۹۰
حکایت ۳۵۱	چنین و چنان	۲۹۰
حکایت ۳۵۲	حاج شتر	۲۹۰
حکایت ۳۵۳	الیه راجعون	۲۹۰
حکایت ۳۵۴	اسلام شناسنامه‌ای	۲۹۱
حکایت ۳۵۵	خط سانس	۲۹۱
حکایت ۳۵۶	کره‌کناه	۲۹۱
حکایت ۳۵۷	الفاظ فاسده	۲۹۱
حکایت ۳۵۸	کم طاقان	۲۹۲
حکایت ۳۵۹	حکایت جام	۲۹۲
حکایت ۳۶۰	عمل به یقینیات	۲۹۲
حکایت ۳۶۱	جمع‌هی پادشاهان	۲۹۲
حکایت ۳۶۲	در پی یک کفن	۲۹۳
حکایت ۳۶۳	جلال و جمال	۲۹۳
حکایت ۳۶۴	مُلک ملوک	۲۹۳
حکایت ۳۶۵	سایه‌ها	۲۹۳

بخش بیست و یکم: عبرت‌های تلگرافی

حکایت ۳۱۴	دل‌ستن	۲۸۲
حکایت ۳۱۵	زیارت والدین	۲۸۲
حکایت ۳۱۶	احتیاج	۲۸۲
حکایت ۳۱۷	نزاران	۲۸۲
حکایت ۳۱۸	آدم نما	۲۸۳
حکایت ۳۱۹	وامدار	۲۸۳
حکایت ۳۲۰	پینه‌های امداد	۲۸۳
حکایت ۳۲۱	بود و نمود	۲۸۳
حکایت ۳۲۲	صفحه‌ی آخر	۲۸۲
حکایت ۳۲۳	شکر مُنعم	۲۸۴
حکایت ۳۲۴	صورت عبادت	۲۸۴
حکایت ۳۲۵	منزل وسیع	۲۸۴
حکایت ۳۲۶	آرزوهای بر باد رفته	۲۸۴
حکایت ۳۲۷	صندوق عمل	۲۸۵
حکایت ۳۲۸	خر اطلسی	۲۸۵
حکایت ۳۲۹	قرار اقامت	۲۸۵
حکایت ۳۳۰	دستی زد دل	۲۸۵
حکایت ۳۳۱	دُر دانه	۲۸۵
حکایت ۳۳۲	خیاط روزگار	۲۸۶
حکایت ۳۳۳	خرافات قربانی	۲۸۶
حکایت ۳۳۴	اقیانوس رحمت	۲۸۶
حکایت ۳۳۵	اسم‌های بی‌مسما	۲۸۶

حکایت ۳۶۶ کاه و کوه..... ۲۹۳	حکایت ۳۹۶ برق و باد..... ۲۹۹
حکایت ۳۶۷ نقل المجالس..... ۲۹۴	حکایت ۳۹۷ قفس خالی..... ۲۹۹
حکایت ۳۶۸ کمینگاه شهرت..... ۲۹۴	حکایت ۳۹۸ سپردن..... ۳۰۰
حکایت ۳۶۹ تخم ریا..... ۲۹۴	حکایت ۳۹۹ درخت بی سایه..... ۳۰۰
حکایت ۳۷۰ همت کوتاه..... ۲۹۴	حکایت ۴۰۰ نردبان آسمان..... ۳۰۰
حکایت ۳۷۱ بدون شرح..... ۲۹۴	حکایت ۴۰۱ آیینی عبرت..... ۳۰۰
حکایت ۳۷۲ منت خلل..... ۲۹۵	حکایت ۴۰۲ عمر گرانمایه..... ۳۰۰
حکایت ۳۷۳ شیر پیر..... ۲۹۵	حکایت ۴۰۳ قدر آب..... ۳۰۱
حکایت ۳۷۴ ایام مشترک..... ۲۹۵	حکایت ۴۰۴ سنگ و شیشه..... ۳۰۱
حکایت ۳۷۵ تصویر بر دکان..... ۲۹۵	حکایت ۴۰۵ نیش زبان..... ۳۰۱
حکایت ۳۷۶ پیر شری..... ۲۹۶	حکایت ۴۰۶ فراموشم مکن..... ۳۰۱
حکایت ۳۷۷ شرمه گرگ..... ۲۹۶	حکایت ۴۰۷ یک جو..... ۳۰۱
حکایت ۳۷۸ گور به گور..... ۲۹۶	حکایت ۴۰۸ باغ و داغ..... ۳۰۱
حکایت ۳۷۹ زیر کی..... ۲۹۶	حکایت ۴۰۹ بهشت و خشت..... ۳۰۲
حکایت ۳۸۰ حوادث سحری..... ۲۹۶	حکایت ۴۱۰ عیب شمار..... ۳۰۲
حکایت ۳۸۱ طول عمر..... ۲۹۷	حکایت ۴۱۱ سبزه زار..... ۳۰۲
حکایت ۳۸۲ گندم پاک..... ۲۹۷	حکایت ۴۱۲ تربت پدر..... ۳۰۲
حکایت ۳۸۳ درآمد..... ۲۹۷	حکایت ۴۱۳ بهر آرز..... ۳۰۲
حکایت ۳۸۴ گشاده‌ابرو..... ۲۹۷	
حکایت ۳۸۵ محشر گرگ..... ۲۹۷	
حکایت ۳۸۶ دوردستان..... ۲۹۷	
حکایت ۳۸۷ نوحه‌ی خروس..... ۲۹۸	
حکایت ۳۸۸ عرض و طول..... ۲۹۸	
حکایت ۳۸۹ دفتر ایام..... ۲۹۸	
حکایت ۳۹۰ قدر وقت..... ۲۹۸	
حکایت ۳۹۱ دُر گرانمایه..... ۲۹۸	
حکایت ۳۹۲ گام‌های اجل..... ۲۹۹	
حکایت ۳۹۳ چاه کن..... ۲۹۹	
حکایت ۳۹۴ گذر عمر..... ۲۹۹	
حکایت ۳۹۵ شرمنده..... ۲۹۹	
	بخش بیست و دوم: لطایف عبرت آور
	حکایت ۴۱۴ وقت آدم شدن..... ۳۰۴
	حکایت ۴۱۵ اعتقاد راسخ..... ۳۰۴
	حکایت ۴۱۶ کاغذ بازی..... ۳۰۴
	حکایت ۴۱۷ پوست پلنگ..... ۳۰۵
	حکایت ۴۱۸ آیه‌ی سنگ قبر..... ۳۰۵
	حکایت ۴۱۹ علاج کار..... ۳۰۵
	حکایت ۴۲۰ خانه‌ای پر از سوزن..... ۳۰۵
	حکایت ۴۲۱ نماز بی ارزش..... ۳۰۶
	حکایت ۴۲۲ غذای خلیفه..... ۳۰۶
	حکایت ۴۲۳ ریش ابلیس..... ۳۰۷

حکایت ۴۲۴	رئیس آفتابه‌ها	۳۰۷	حکایت ۴۵۴	خسارت تصاعدی	۳۱۶
حکایت ۴۲۵	همت مضاعف	۳۰۷	حکایت ۴۵۵	نماز تجاری	۳۱۶
حکایت ۴۲۶	دار و ندار	۳۰۸	حکایت ۴۵۶	ژینگول	۳۱۷
حکایت ۴۲۷	یابو	۳۰۸	حکایت ۴۵۷	کار آخرت	۳۱۷
حکایت ۴۲۸	کفر مطلق	۳۰۸	حکایت ۴۵۸	تبرک	۳۱۷
حکایت ۴۲۹	نادانی فرعون	۳۰۹	حکایت ۴۵۹	مجنون	۳۱۷
حکایت ۴۳۰	توصیف نادیده	۳۰۹	حکایت ۴۶۰	دینار	۳۱۸
حکایت ۴۳۱	خیال خر	۳۰۹	حکایت ۴۶۱	لقب مناسب	۳۱۸
حکایت ۴۳۲	بلندی طالع	۳۰۹	حکایت ۴۶۲	ماماست	۳۱۸
حکایت ۴۳۳	مخلوقات زیباتر از خالق	۳۱۰	حکایت ۴۶۳	مبارک قدم	۳۱۸
حکایت ۴۳۴	درواپس	۳۱۰	حکایت ۴۶۴	گره	۳۱۹
حکایت ۴۳۵	لگدمالی	۳۱۰	حکایت ۴۶۵	یونجه	۳۱۹
حکایت ۴۳۶	پایان نامه	۳۱۰	حکایت ۴۶۶	محاسبه با لنگ	۳۱۹
حکایت ۴۳۷	پاگشا	۳۱۱	حکایت ۴۶۷	نویسنده	۳۱۹
حکایت ۴۳۸	خواندنی	۳۱۱	حکایت ۴۶۸	سایه خدا	۳۲۰
حکایت ۴۳۹	شکر	۳۱۱	حکایت ۴۶۹	لیست گدایان	۳۲۰
حکایت ۴۴۰	گذر پوست	۳۱۱			
حکایت ۴۴۱	خوش و بش	۳۱۲			
حکایت ۴۴۲	خطاهای طبابت	۳۱۲			
حکایت ۴۴۳	شریک بی نظیر	۳۱۲			
حکایت ۴۴۴	اهالی دماغ	۳۱۲			
حکایت ۴۴۵	گذر	۳۱۳			
حکایت ۴۴۶	زن با وفا	۳۱۳			
حکایت ۴۴۷	حرص	۳۱۳			
حکایت ۴۴۸	زبان مردم	۳۱۴			
حکایت ۴۴۹	اظهار فضل	۳۱۴			
حکایت ۴۵۰	جنگل	۳۱۵			
حکایت ۴۵۱	لذیتر	۳۱۵			
حکایت ۴۵۲	افتخارات اکسیژن	۳۱۵			
حکایت ۴۵۳	شعر منشور	۳۱۶			

بخش بیست و سوم: گوناگون

حکایت ۴۷۰	ایوان عبرت	۳۲۲
حکایت ۴۷۱	تخریب	۳۲۳
حکایت ۴۷۲	موشی در کوزه	۳۲۴
حکایت ۴۷۳	سیر	۳۲۴
حکایت ۴۷۴	نان حلال و حرام	۳۲۵
حکایت ۴۷۵	باقیمانده	۳۲۶
حکایت ۴۷۶	صلوات نجات بخش	۳۲۶
حکایت ۴۷۷	طمع بی جا	۳۲۷
حکایت ۴۷۸	کبوتر مسجد	۳۲۷
حکایت ۴۷۹	سبب خیر	۳۲۸
حکایت ۴۸۰	افتخار اسلام	۳۲۹
حکایت ۴۸۱	حضرت موسی (ع) و مرغ ذاکر	۳۳۰

۳۵۵ پرندگان بهشتی	حکایت ۵۱۲	۳۳۱ کمتر از مور	حکایت ۴۸۲
۳۵۵ شمشیر کرامت	حکایت ۵۱۳	۳۳۱ حور و شراب طهور	حکایت ۴۸۳
۳۵۶ نماز کلاغی	حکایت ۵۱۴	۳۳۲ فرعون هم ناامید نیست	حکایت ۴۸۴
۳۵۶ خوره‌ی بدگمانی	حکایت ۵۱۵	۳۳۳ مأموریت عقرب	حکایت ۴۸۵
۳۵۶ سخاوتمند جسور	حکایت ۵۱۶	۳۳۳ مساحت اخلاق	حکایت ۴۸۶
۳۵۷ همت گدایان	حکایت ۵۱۷	۳۳۴ لغزش‌های زبان	حکایت ۴۸۷
۳۵۸ لب تنور و شب نمور	حکایت ۵۱۸	۳۳۴ تفاوت اساسی	حکایت ۴۸۸
۳۵۸ اقامه‌ی نماز در موقعیت حساس	حکایت ۵۱۹	۳۳۵ خوردن سنگ، اکیداً ممنوع!	حکایت ۴۸۹
۳۶۰ گردوی پوچ	حکایت ۵۲۰	۳۳۵ توکل بر مخلوق	حکایت ۴۹۰
۳۶۱ دستمال شکر	حکایت ۵۲۱	۳۳۶ اله بر فی مآ وقع	حکایت ۴۹۱
۳۶۱ بازار داغ ابلیس	حکایت ۵۲۲	۳۳۷ شب اول قبر	حکایت ۴۹۲
۳۶۲ خَلَوَات و فَلَوات	حکایت ۵۲۳	۳۳۸ فضل خدا و خلق	حکایت ۴۹۳
۳۶۳ رخت خواب	حکایت ۵۲۴	۳۳۸ دست کرامت	حکایت ۴۹۴
۳۶۳ جهت‌های ابلیس	حکایت ۵۲۵	۳۳۹ وفا	حکایت ۴۹۵
۳۶۴ طرب آشُر	حکایت ۵۲۶	۳۴۲ مار و عقرب	حکایت ۴۹۶
۳۶۴ نماز مناره‌ای	حکایت ۵۲۷	۳۴۵ خورشید فرعون	حکایت ۴۹۷
۳۶۵ مهمانی کریمان	حکایت ۵۲۸	۳۴۵ اصناف مردم	حکایت ۴۹۸
۳۶۵ غیرت شبان وادی ایمن	حکایت ۵۲۹	۳۴۶ درخت ریا	حکایت ۴۹۹
۳۶۷ غلامان عمید خراسانی	حکایت ۵۳۰	۳۴۷ قناعت مور و حرص زنبور	حکایت ۵۰۰
۳۶۷ رضایت مادر	حکایت ۵۳۱	۳۴۸ تسلیت	حکایت ۵۰۱
۳۶۸ خدمت‌های خانه	حکایت ۵۳۲	۳۴۸ به احترام استخوان یک پیامبر	حکایت ۵۰۲
۳۶۸ تداوم در دو خانه	حکایت ۵۳۳	۳۴۹ در بزم خلیفه	حکایت ۵۰۳
۳۶۹ راه تشرف	حکایت ۵۳۴	۳۵۱ خر قه‌ی آتشین	حکایت ۵۰۴
۳۶۹ غذاهای تسخیری	حکایت ۵۳۵	۳۵۲ باریک‌تر از مو	حکایت ۵۰۵
۳۷۰ خنده‌ی عبرت	حکایت ۵۳۶	۳۵۳ خانه‌ی اخروی	حکایت ۵۰۶
۳۷۲ نعمت فردوس ارزانی	حکایت ۵۳۷	۳۵۳ عابد نادان	حکایت ۵۰۷
۳۷۲ مردار تر	حکایت ۵۳۸	۳۵۳ عجب روز گرمی	حکایت ۵۰۸
۳۷۳ هدیه در برابر غیبت	حکایت ۵۳۹	۳۵۴ چهل سال نایبانی	حکایت ۵۰۹
۳۷۳ علت اصلی تأخیر	حکایت ۵۴۰	۳۵۴ زبان مروان در دهان سگ	حکایت ۵۱۰
۳۷۴ قدرشناسی	حکایت ۵۴۱	۳۵۵ مباحله	حکایت ۵۱۱

حکایت ۵۴۲	خداوند محتاج	۳۷۴	حکایت ۵۷۱	وزنه برداران	۴۰۱
حکایت ۵۴۳	خداترسی زن باغبان	۳۷۵	حکایت ۵۷۲	در خانه‌ی اُم سلمه	۴۰۲
حکایت ۵۴۴	لطف لطیف	۳۷۵	حکایت ۵۷۳	یک سال روزه جریمه‌ی یک بار	
حکایت ۵۴۵	یادگیری زبان حیوانات	۳۷۵	عصبانیت	۴۰۳	
حکایت ۵۴۶	یک قدم به جلو	۳۷۷	حکایت ۵۷۴	دادرسی سلطان محمود غزنوی	۴۰۳
حکایت ۵۴۷	گواهی «اُم علا»	۳۷۹	حکایت ۵۷۵	نویای مظلوم و سلطان	۴۰۵
حکایت ۵۴۸	شهادت آموزگار انقلابی	۳۸۰	حکایت ۵۷۶	نتیجه‌ی عدالت	۴۰۶
حکایت ۵۴۹	یزیدیان و حسینیان	۳۸۴	حکایت ۵۷۷	فلسفه‌ی آزمایش‌های الهی	۴۰۷
حکایت ۵۵۰	یا یهود یا نصرانی؟	۳۸۵	حکایت ۵۷۸	رجوع قبل از جان دادن	۴۰۷
حکایت ۵۵۱	خجّاج و مرد عرب	۳۸۵	حکایت ۵۷۹	فرزند شیرخوار را فدای دین	
حکایت ۵۵۲	بخت پادشاه	۳۸۶	کرد	۴۰۸	
حکایت ۵۵۳	شکر، بی جا	۳۸۷	حکایت ۵۸۰	سفینه‌ی النجاة	۴۱۰
حکایت ۵۵۴	نکند راست باشد	۳۸۷	حکایت ۵۸۱	فراموش کردن شهادت فرزند	۴۱۰
حکایت ۵۵۵	نمک شناسی طرار	۳۸۸	حکایت ۵۸۲	رفتن نزد نامرد	۴۱۱
حکایت ۵۵۶	نیکی می‌کن	۳۸۹	حکایت ۵۸۳	نذر شیطانی	۴۱۲
حکایت ۵۵۷	سر بر آستان دوست	۳۸۹	حکایت ۵۸۴	دزد آمرزیده	۴۱۲
حکایت ۵۵۸	همسفر حج	۳۹۰	حکایت ۵۸۵	سبب استغفار	۴۱۳
حکایت ۵۵۹	جواب لطیف	۳۹۰	حکایت ۵۸۶	آرزش خواهی او پس قرنی	۴۱۴
حکایت ۵۶۰	سلام علیکم	۳۹۱	حدایت ۵۸۷	استغفار طلحه	۴۱۵
حکایت ۵۶۱	اخلاق عمومی	۳۹۲	حکایت ۵۸۸	اسرار مسلمة بن عبد الملک	۴۱۶
حکایت ۵۶۲	سجده‌ی خطبه	۳۹۳	حکایت ۵۸۹	ابن قتیبه حلی	۴۱۶
حکایت ۵۶۳	خواهر داغدار و تحسین قاتل	۳۹۳	حکایت ۵۹۰	ناراحتی امام	۴۱۷
حکایت ۵۶۴	نفرین به فرزند	۳۹۴	حکایت ۵۹۱	پدر و دختر	۴۱۸
حکایت ۵۶۵	شاه و حکیم	۳۹۶	حکایت ۵۹۲	تعصب بی‌مورد	۴۱۸
حکایت ۵۶۶	بهترین اعمال	۳۹۷	حکایت ۵۹۳	آثار اتفاق در فرزندان	۴۱۹
حکایت ۵۶۷	از عشق مجازی تا عشق حقیقی	۳۹۸	حکایت ۵۹۴	مصافحه	۴۲۰
حکایت ۵۶۸	علی (ع) شمشیرش را فروخت	۳۹۹	حکایت ۵۹۵	پاکیزگی نفس	۴۲۰
حکایت ۵۶۹	موقعیت مالک از نظر دشمن و دوست	۳۹۹	حکایت ۵۹۶	امیری بر نفس	۴۲۱
حکایت ۵۷۰	دام مُدام	۴۰۰	حکایت ۵۹۷	جاذبه‌ی قرآن و تعصب	۴۲۲
			حکایت ۵۹۸	تعصب پدری	۴۲۲

- حکایت ۵۹۹ فداکاری برای دوست ۴۲۳
 حکایت ۶۰۰ فرمان متعصب ۴۲۳
 حکایت ۶۰۱ همکاری اهل بصره ۴۲۴
 حکایت ۶۰۲ دیدار شوم ۴۲۵
 حکایت ۶۰۳ دوستی با پیامبر (ص) ۴۲۶
 حکایت ۶۰۴ بهتر از برادر ۴۲۶
 حکایت ۶۰۵ هدیه‌ی دوست یوسف ۴۲۷
 حکایت ۶۰۶ رحم حضرت موسی (ع) ۴۲۷
 حکایت ۶۰۷ پیامبر مهران ۴۲۸
 حکایت ۶۰۸ سبک‌گین ۴۲۹
 حکایت ۶۰۹ شرم آب و نان ۴۲۹
 حکایت ۶۱۰ خدمت ۴۳۰
 حکایت ۶۱۱ حُب و بغض برای خدا ۴۳۱
 حکایت ۶۱۲ اثر وضعی ۴۳۲
 حکایت ۶۱۳ تقوای خواص ۴۳۲
 حکایت ۶۱۴ فرصت ندادن به ۴۳۲
 شیطان ۴۳۳
 حکایت ۶۱۵ شیطان در سه حال ۴۳۳
 حکایت ۶۱۶ حدیث رضا و تسلیم ۴۳۴
 حکایت ۶۱۷ صدقه به غیر مؤمنان ۴۳۵
 حکایت ۶۱۸ صدقه و اتفاق از مال حلال ۴۳۶
 حکایت ۶۱۹ دفع بلای آسمانی ۴۳۷
 حکایت ۶۲۰ تربیت فرزند ۴۳۸
 حکایت ۶۲۱ حفظ اموال با صدقه ۴۳۹
 حکایت ۶۲۲ هفتاد سال عبادت ۴۴۱
 حکایت ۶۲۳ صدقه برای رفع شومی ۴۴۲
 حکایت ۶۲۴ اتفاق بی‌منت ۴۴۳
 حکایت ۶۲۵ گرفتاری حضرت یوسف ۴۴۴
 حکایت ۶۲۶ درخواست و حفظ آبرو ۴۴۵
 حکایت ۶۲۷ فراوانی روزی با صدقه ۴۴۶
 حکایت ۶۲۸ حفظ فرزندان با صدقه ۴۴۷
 حکایت ۶۲۹ پینه‌های خدمت ۴۴۸
 حکایت ۶۳۰ شرط بهشت ۴۴۸
 حکایت ۶۳۱ وسواس در وضو ۴۴۹
 حکایت ۶۳۲ برادران تبسمی ۴۴۹
 حکایت ۶۳۳ چرا دعاها مستجاب نمی‌شود؟ ۴۵۰
 حکایت ۶۳۴ مرکبی راهوار به برکت دعا ۴۵۱
 حکایت ۶۳۵ توسل در حوادث ۴۵۱
 حکایت ۶۳۶ شرطی دیگر از شرایط استجاب ۴۵۱
 دعا ۴۵۲
 حکایت ۶۳۷ با یک توسل نجات یافت ۴۵۳
 حکایت ۶۳۸ دعا کلید نجات ۴۵۶
 حکایت ۶۳۹ قلب پاک ۴۵۷
 حکایت ۶۴۰ چه گونه دعا کنیم؟ ۴۵۸
 حکایت ۶۴۱ همت بلند در دعا و توسل ۴۵۹
 حکایت ۶۴۲ عدی ابن حاتم و معاویه ۴۶۱
 حکایت ۶۴۳ یکی از دوستان علی (ع) ۴۶۱
 حکایت ۶۴۴ نخل میثم ۴۶۳
 حکایت ۶۴۵ زید بن حارثه ۴۶۶
 حکایت ۶۴۶ اشار رادمردان ۴۶۸
 حکایت ۶۴۷ بیم ۴۶۹
 حکایت ۶۴۸ پیاده روی حضرت مجتبی ۴۷۰
 حکایت ۶۴۹ عین القیاس ۴۷۱
 حکایت ۶۵۰ امام مجتبی (ع) از چه می‌ترسید؟ ۴۷۲
 حکایت ۶۵۱ چه گونه باید به خدا توجه داشت؟ ۴۷۲
 حکایت ۶۵۲ شب‌های امام المتقین ۴۷۳
 حکایت ۶۵۳ کسی که ایمان دارد چنین ترسان است ۴۷۳
 ۴۷۵
 حکایت ۶۵۴ رحمت خدا ۴۷۶
 حکایت ۶۵۵ چرا از منکر نهی نکردی؟ ۴۷۷

حکایت ۶۵۶	روش نهی از منکر امام	حکایت ۶۸۴	کانون فضیلت
صادق (ع) ۴۷۹		حکایت ۶۸۵	بانوی ایرانی شجاع
حکایت ۶۵۷	دزد و شاه دزد ۴۷۹	حکایت ۶۸۶	عذر زیبا
حکایت ۶۵۸	تعلیم مسئله ۴۸۱	حکایت ۶۸۷	مادر عالم پرور
حکایت ۶۵۹	خوشه های شکر ۴۸۲	حکایت ۶۸۸	وظایف زنان
حکایت ۶۶۰	بیست هزار درهم یا یک باب	حکایت ۶۸۹	خמוש و گوش
علم ۴۸۳		حکایت ۶۹۰	جوان بلهوس
حکایت ۶۶۱	تا «ولا الضالین» ۴۸۳	حکایت ۶۹۱	پادشاه واقع بین
حکایت ۶۶۲	دانش خوب و پادشاه نیکو ۴۸۴	حکایت ۶۹۲	خدایا! کجش کن
حکایت ۶۶۳	پادستان قبل مقایسه کنید ۴۸۵	حکایت ۶۹۳	سلطان و کوزه گر
حکایت ۶۶۴	دو عالم عامل ۴۸۶	حکایت ۶۹۴	خشت های زرین
حکایت ۶۶۵	مقام دانشمند واقعی ۴۸۶	حکایت ۶۹۵	روز نیازمندی
حکایت ۶۶۶	مزد نامین ۴۸۷	حکایت ۶۹۶	سخت ترین عنصر
حکایت ۶۶۷	پسر حاتم و پیامبر خاتم ۴۸۸	حکایت ۶۹۷	نقد و نسیه
حکایت ۶۶۸	راه نجات ۴۹۱	حکایت ۶۹۸	همکاری با کارگران
حکایت ۶۶۹	دشمن روزها ۴۹۳	حکایت ۶۹۹	امام صادق (ع) و چاقو کشی
حکایت ۶۷۰	خوشا به حال شیعیان علی ۴۹۳	«افطس» ۵۱۹	
حکایت ۶۷۱	با دشمنان، مدارا ۴۹۵	حکایت ۷۰۰	بازار سیاه
حکایت ۶۷۲	توجه ائمه به دوستان ۴۹۷	حکایت ۷۰۱	بدهکاری مجازی و بزرگواری
حکایت ۶۷۳	محاسبات غلط ۴۹۸	حقیقت ۵۲۱	
حکایت ۶۷۴	نعمت واقعی چیست؟ ۴۹۸	حکایت ۷۰۲	بزه ی غلب و گوسفند مغلوب
حکایت ۶۷۵	برای مرگ دوستان چه می کنند؟ ۴۹۹	حکایت ۷۰۳	دروغ خرافات
حکایت ۶۷۶	محبت خدا به بندگان ۵۰۰	حکایت ۷۰۴	مهمانان امام علی (ع)
حکایت ۶۷۷	بدهی ۵۰۰	حکایت ۷۰۵	مهمان قاضی
حکایت ۶۷۸	دوست واقعی ۵۰۱	حکایت ۷۰۶	نیامده، رفتیم!
حکایت ۶۷۹	جوان یهودی ۵۰۲	حکایت ۷۰۷	ترازوهای برفی
حکایت ۶۸۰	درمان سه بیماری ۵۰۲	حکایت ۷۰۸	سنگ و شیشه
حکایت ۶۸۱	ظروف زرین ۵۰۲	حکایت ۷۰۹	روز هراس
حکایت ۶۸۲	وقف علوی ۵۰۳	حکایت ۷۱۰	مار سیاه
حکایت ۶۸۳	عبای مبارک ۵۰۴	حکایت ۷۱۱	عرفان حمال

حکایت ۷۱۲	دام شیطان..... ۵۲۸	حکایت ۷۴۲	آب لیموی صد در صد خالص! ۵۵۵
حکایت ۷۱۳	گریز از ناگزیر..... ۵۲۹	حکایت ۷۴۳	حُجَّاج و مرد راستگو..... ۵۵۶
حکایت ۷۱۴	ورود بی خروج..... ۵۳۰	حکایت ۷۴۴	بهترین و بدترین اعضا..... ۵۵۷
حکایت ۷۱۵	محلّ اشیای گمشده..... ۵۳۰	حکایت ۷۴۵	کسادی بازار عمل..... ۵۵۷
حکایت ۷۱۶	پشتوانه..... ۵۳۰	حکایت ۷۴۶	احتیاط عجیب..... ۵۵۸
حکایت ۷۱۷	آب سرد..... ۵۳۱	حکایت ۷۴۷	ابوخیشمه..... ۵۵۸
حکایت ۷۱۸	آهن تفتیده..... ۵۳۱	حکایت ۷۴۸	نفس مستعد..... ۵۵۹
حکایت ۷۱۹	آرزوهای نامحدود..... ۵۳۲	حکایت ۷۴۹	گوشه‌ای از حساب یوم الحساب ۵۶۰
حکایت ۷۲۰	حدود عمر..... ۵۳۳	حکایت ۷۵۰	مأجّعفر و حقّ النّاس..... ۵۶۱
حکایت ۷۲۱	در آرزوی یک ماهی..... ۵۳۴	حکایت ۷۵۱	سند شیطانی..... ۵۶۳
حکایت ۷۲۲	خواخوانان آب و گِل..... ۵۳۶	حکایت ۷۵۲	نشکن، نمی‌گویم..... ۵۶۳
حکایت ۷۲۳	تخت ناقص..... ۵۳۸	حکایت ۷۵۳	جبران گذشته..... ۵۶۴
حکایت ۷۲۴	در آرزوی یک روز سلطنت..... ۵۳۹	حکایت ۷۵۴	مسخ ارزش‌ها..... ۵۶۴
حکایت ۷۲۵	از رنرگری تا ولی شدن..... ۵۴۱	حکایت ۷۵۵	شیعیان شناسنامه‌ای..... ۵۶۷
حکایت ۷۲۶	دانشجوی بزرگ سال..... ۵۴۱	حکایت ۷۵۶	تأیید داستان قبلی با این حکایت ۵۶۸
حکایت ۷۲۷	تار وجود..... ۵۴۲	حکایت ۷۵۷	پنجاه ایستگاه بازرسی..... ۵۶۹
حکایت ۷۲۸	مسجد ترک‌ها..... ۵۴۳	حکایت ۷۵۸	گذشت روزگار..... ۵۷۰
حکایت ۷۲۹	سلب توفیق..... ۵۴۴	حکایت ۷۵۹	شریک و شرک..... ۵۷۲
حکایت ۷۳۰	یکان غالب و دهگان مغلوب..... ۵۴۴	حکایت ۷۶۰	شاه کلید..... ۵۷۳
حکایت ۷۳۱	سکوت منفی..... ۵۴۴	حکایت ۷۶۱	گریه‌ی سردار شهید..... ۵۷۳
حکایت ۷۳۲	مسافر..... ۵۴۵	حکایت ۷۶۲	هفت حقیقت..... ۵۷۴
حکایت ۷۳۳	مرصاد..... ۵۴۶	حکایت ۷۶۳	پناهندگی..... ۵۷۴
حکایت ۷۳۴	وکیل اموال الهی..... ۵۴۷	حکایت ۷۶۴	زاهد حقیقی..... ۵۷۵
حکایت ۷۳۵	معاویه بن یزید..... ۵۴۷	حکایت ۷۶۵	مال و وبال..... ۵۷۵
حکایت ۷۳۶	فرزند گمنام هارون..... ۵۴۹	حکایت ۷۶۶	شتر با بار..... ۵۷۶
حکایت ۷۳۷	حکمت آفرینش مگس..... ۵۵۱	حکایت ۷۶۷	مرده پرستی..... ۵۷۶
حکایت ۷۳۸	مردان زن نما..... ۵۵۲	حکایت ۷۶۸	گوهر وقت..... ۵۷۷
حکایت ۷۳۹	دنیای بی ارزش..... ۵۵۳	حکایت ۷۶۹	زهد حضرت موسی(ع)..... ۵۷۷
حکایت ۷۴۰	تر و خشک..... ۵۵۴	حکایت ۷۷۰	ناطق و صامت..... ۵۷۸
حکایت ۷۴۱	سبکباری..... ۵۵۵	حکایت ۷۷۱	شان روزانه‌ی خداوند..... ۵۷۸

حکایت ۷۷۲	بهترین روزی دهندگان.....	۵۷۹	حکایت ۸۰۲	شکر در بلا.....	۵۹۶
حکایت ۷۷۳	خشوع کوه.....	۵۷۹	حکایت ۸۰۳	دوری از شبهات.....	۵۹۷
حکایت ۷۷۴	سزای اهانت به امام هدایت ...	۵۸۰	حکایت ۸۰۴	یهود و غذای حرام.....	۵۹۷
حکایت ۷۷۵	صغیره و کبیره.....	۵۸۱	حکایت ۸۰۵	اوراق قرآن.....	۵۹۸
حکایت ۷۷۶	إِنْ شَاءَ اللَّهُ.....	۵۸۲	حکایت ۸۰۶	قیمت کشورداری.....	۵۹۸
حکایت ۷۷۷	صبر و استقامت.....	۵۸۲	حکایت ۸۰۷	آب رفته.....	۵۹۹
حکایت ۷۷۸	جای پا.....	۵۸۴	حکایت ۸۰۸	شبهه‌ی احتکار.....	۶۰۰
حکایت ۷۷۹	در صف صَدِیقان.....	۵۸۴	حکایت ۸۰۹	حضرت موسی(ع) و پنج دشمن	
حکایت ۷۸۰	احرام حقیقی به قرآن.....	۵۸۴	خطر ناک.....		۶۰۰
حکایت ۷۸۱	اِنَّكَ عَبْدٌ.....	۵۸۵	حکایت ۸۱۰	عدالت و لطف خدا.....	۶۰۱
حکایت ۷۸۲	وَ اِنَّكَ لَمِّنْ عِندَ.....	۵۸۶	حکایت ۸۱۱	سرمایه‌ی یخ فروش!.....	۶۰۲
حکایت ۷۸۳	تکرار آیه.....	۵۸۶	حکایت ۸۱۲	مگس.....	۶۰۳
حکایت ۷۸۴	در خانه اگر کس است.....	۵۸۷	حکایت ۸۱۳	عظمت روحی.....	۶۰۴
حکایت ۷۸۵	مجرمان.....	۵۸۷	حکایت ۸۱۴	نان آور.....	۶۰۴
حکایت ۷۸۶	بازگشت نفس.....	۵۸۸	حکایت ۸۱۵	عیب اساسی قصر.....	۶۰۶
حکایت ۷۸۷	فرصت های غنیمتی.....	۵۸۸	حکایت ۸۱۶	گوش به دعای مادر.....	۶۰۶
حکایت ۷۸۸	افسوس و آه و حسرت.....	۵۸۹	حکایت ۸۱۷	خدایا شکرت.....	۶۰۷
حکایت ۷۸۹	نام آوران گمنام.....	۵۸۹	حکایت ۸۱۸	خانواده‌ی شهید.....	۶۰۷
حکایت ۷۹۰	در خدمت قرآن.....	۵۹۰	حکایت ۸۱۹	نخل هشام ابن عبد الملک.....	۶۰۸
حکایت ۷۹۱	ثواب قرائت و روح تلاوت.....	۵۹۰	حکایت ۸۲۰	شهادت، خاری در چشم ابلیس.....	۶۰۸
حکایت ۷۹۲	جراحی معده بدون بی هوشی.....	۵۹۱	حکایت ۸۲۱	پوشینی که جاندار شد!.....	۶۰۹
حکایت ۷۹۳	شوخی با زن نامحرم.....	۵۹۱	حکایت ۸۲۲	مردان بی بی.....	۶۱۱
حکایت ۷۹۴	آیه‌های آتش افزا.....	۵۹۲	حکایت ۸۲۳	تعمیل به ستمگران.....	۶۱۲
حکایت ۷۹۵	قرآن بعضی ها.....	۵۹۲	حکایت ۸۲۴	خلاف جهت.....	۶۱۲
حکایت ۷۹۶	حرف حساب.....	۵۹۳	حکایت ۸۲۵	فرعونیان.....	۶۱۳
حکایت ۷۹۷	تأثیر غذای شبهه‌ناک.....	۵۹۳	حکایت ۸۲۶	عزیز و ذلیل.....	۶۱۳
حکایت ۷۹۸	غمخوار امت.....	۵۹۳	حکایت ۸۲۷	راه‌های رهایی از شر ابلیس.....	۶۱۴
حکایت ۷۹۹	سفره‌ی خلیفه.....	۵۹۴	حکایت ۸۲۸	تفسیر نای ناقوس.....	۶۱۶
حکایت ۸۰۰	حلوای معاویه.....	۵۹۵	حکایت ۸۲۹	چهره‌ی باطن دنیا.....	۶۱۷
حکایت ۸۰۱	سینی حرام.....	۵۹۶	حکایت ۸۳۰	دهان سنگین.....	۶۱۷

- حکایت ۸۳۱ گواهی اُمّ علاء ۶۱۸
 حکایت ۸۳۲ ساعت حرکت کاروان مرده ها ۶۲۰
 حکایت ۸۳۳ ملکه ی عبرت ۶۲۰
 حکایت ۸۳۴ دندان های سفید ۶۲۱
 حکایت ۸۳۵ چوپان با ایمان ۶۲۱
 حکایت ۸۳۶ فریادرس ۶۲۱
 حکایت ۸۳۷ تنبیه غلام ۶۲۲
 حکایت ۸۳۸ درد بی درمان ۶۲۲
 حکایت ۸۳۹ وزیر حسود ۶۲۳
 حکایت ۸۴۰ پیر امن همسر فرماندار ۶۲۴
 حکایت ۸۴۱ سوگند راست ۶۲۶
 حکایت ۸۴۲ اسباب رحمت ۶۲۷
 حکایت ۸۴۳ ساد خانه های دنیا ۶۲۷
 حکایت ۸۴۴ سلطان و حمود و اباز ۶۲۹
 حکایت ۸۴۵ آفرینش مجدد ۶۳۰
 حکایت ۸۴۶ عذاب قبر ۶۳۰
 حکایت ۸۴۷ ثابت و حجاج ۶۳۱
 حکایت ۸۴۸ قانون مداری پیر خمین ۶۳۲
 حکایت ۸۴۹ مناظره با زنی خودنما ۶۳۲
 حکایت ۸۵۰ فیلم قناعت ۶۳۴
 حکایت ۸۵۱ عارفه ۶۳۴
 حکایت ۸۵۲ پاکدامن ۶۳۵
 حکایت ۸۵۳ احترام به همسر ۶۳۶
 حکایت ۸۵۴ کبوتران خون جگر ۶۳۶
 حکایت ۸۵۵ ربیعه ۶۳۷
 حکایت ۸۵۶ برآوردن نیاز های مردم ۶۳۷
 حکایت ۸۵۷ لزوم نوشتن قراردادها ۶۳۸
 حکایت ۸۵۸ اهرم بدن ۶۳۹
 حکایت ۸۵۹ امانت داری شیخ ابو عثمان ۶۴۰
 حکایت ۸۶۰ پاسبان بی ادب ۶۴۱
 حکایت ۸۶۱ میل ندارم ۶۴۲
 حکایت ۸۶۲ سگ سفید ۶۴۳
 حکایت ۸۶۳ دعا برای مردگان ۶۴۳
 حکایت ۸۶۴ خیر یا شر؟ ۶۴۴
 حکایت ۸۶۵ زبان سرخ ۶۴۵
 حکایت ۸۶۶ نماز شب ۶۴۵
 حکایت ۸۶۷ خریدار حکمت ۶۴۶
 حکایت ۸۶۸ نجاتم دهید ۶۴۹
 حکایت ۸۶۹ کراوات ۶۴۹
 حکایت ۸۷۰ امام رثوف (ع) ۶۴۹
 حکایت ۸۷۱ حلالیت ۶۵۰
 حکایت ۸۷۲ برون و درون ۶۵۱
 حکایت ۸۷۳ درس عبرت ۶۵۱
 حکایت ۸۷۴ شکایت رسول ۶۵۲
 حکایت ۸۷۵ جست و جواز دوست جهنمی ۶۵۲
 حکایت ۸۷۶ أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْآيِلِ ۶۵۳
 حکایت ۸۷۷ شتر بزرگ تر از فیل ۶۵۳
 حکایت ۸۷۸ حمد شفا ۶۵۴
 حکایت ۸۷۹ درمان و سواس ۶۵۴
 حکایت ۸۸۰ حفه ی خدا ۶۵۵
 حکایت ۸۸۱ آردوی ایلیس ۶۵۵
 حکایت ۸۸۲ ابره های یو انایل ۶۵۶
 حکایت ۸۸۳ شبی هزار رکعت نماز ۶۵۷
 حکایت ۸۸۴ ستارگان زمین ۶۵۷
 حکایت ۸۸۵ برکات استقامت ۶۵۸
 حکایت ۸۸۶ میراث فرهنگی ۶۵۸
 حکایت ۸۸۷ اخلاص ۶۵۹
 حکایت ۸۸۸ یا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلِ ۶۶۱
 حکایت ۸۸۹ گنج بی پایان ۶۶۱
 حکایت ۸۹۰ فرمان سلطان ۶۶۱

حکایت ۸۹۱	امر به منکر	۶۶۳	حکایت ۹۱۹	چهل سال با حضرت حق	۶۷۹
حکایت ۸۹۲	شب مردان خدا	۶۶۴	حکایت ۹۲۰	تخریب کعبه	۶۸۰
حکایت ۸۹۳	کیمیای حقیقی	۶۶۶	حکایت ۹۲۱	فرشتگان شب	۶۸۱
حکایت ۸۹۴	منبع دست اول	۶۶۶	حکایت ۹۲۲	ساعت های آسمانی	۶۸۲
حکایت ۸۹۵	یک مثال چربی	۶۶۷	حکایت ۹۲۳	تبدیل مس به طلا	۶۸۲
حکایت ۸۹۶	سیلی بر صورت آیت الله	۶۶۷	حکایت ۹۲۴	تہجد، شرط اجتهاد	۶۸۴
حکایت ۸۹۷	پلو مرغ	۶۶۷	حکایت ۹۲۵	تکبر بی پایان ابلیس	۶۸۴
حکایت ۸۹۸	مقلدین بی تقلید	۶۶۸	حکایت ۹۲۶	پهلوان متدین و پیروزمند	۶۸۵
حکایت ۸۹۹	غیر و غنا	۶۶۹	حکایت ۹۲۷	سید خندان	۶۸۵
حکایت ۹۰۰	پینه های مشکوک	۶۷۰	حکایت ۹۲۸	یا الله	۶۸۶
حکایت ۹۰۱	هدیه به اموات	۶۷۰	حکایت ۹۲۹	امام نفس	۶۸۷
حکایت ۹۰۲	مشابه مادر	۶۷۱	حکایت ۹۳۰	مناجات عریان	۶۸۷
حکایت ۹۰۳	بنده ی بنده	۶۷۱	حکایت ۹۳۱	اسراف در قتل	۶۸۸
حکایت ۹۰۴	مهریه ی جغد	۶۷۱	حکایت ۹۳۲	لباس مناجات	۶۸۸
حکایت ۹۰۵	بی بند و باری	۶۷۲	حکایت ۹۳۳	بمیر به اذن خدا	۶۸۹
حکایت ۹۰۶	از اشهد فصیح به است اشهد	۶۷۲	حکایت ۹۳۴	غذارسانی به کرم درون سنگ .	۶۹۱
حکایت ۹۰۷	خسران	۶۷۳	حکایت ۹۳۵	دل کندن از نعمت دنیا	۶۹۱
حکایت ۹۰۸	زمزمه های بهشتی و جهنمی ..	۶۷۳	حکایت ۹۳۶	عذر خواهی موسی (ع) از خداوند	۶۹۲
حکایت ۹۰۹	گنج قاتل	۶۷۴	حکایت ۹۳۷	نمودن ای از عدل و احسان خدا ..	۶۹۳
حکایت ۹۱۰	ریگ بیابان	۶۷۴	حکایت ۹۳۸	شکایت مار به حضرت سلیمان (ع)	۶۹۳
حکایت ۹۱۱	روسفید	۶۷۵	حکایت ۹۳۹	پرسش های از حضرت آدم (ع) ..	۶۹۴
حکایت ۹۱۲	دفع ملخ	۶۷۵	حکایت ۹۴۰	پیاده روی روی آب	۶۹۵
حکایت ۹۱۳	نمرود و پشه ای فلج!	۶۷۶	حکایت ۹۴۱	نگاهی به آن سوی پرده	۶۹۶
حکایت ۹۱۴	بوی تعفن	۶۷۶	حکایت ۹۴۲	عمری پاک زیستن	۶۹۷
حکایت ۹۱۵	حضرت سلیمان (ع) و خارپشت ..	۶۷۷	حکایت ۹۴۳	مهمان خواهی حضرت سلیمان (ع)	۶۹۷
حکایت ۹۱۶	عشق حضرت سلیمان (ع) به خدا	۶۷۸	حکایت ۹۴۴	احترام به خدمتکار	۶۹۸
حکایت ۹۱۷	جبار زمین و جبار آسمان	۶۷۸	حکایت ۹۴۵	بذر دانش	۶۹۸
حکایت ۹۱۸	غسل جمعه ی آیت الله قاضی .	۶۷۹	حکایت ۹۴۶	ده هزار دینار در سقف خانه ...	۷۰۰

- حکایت ۹۴۷ ایثار تشنگان ۷۰۱
 حکایت ۹۴۸ زیان دروغ گویی ۷۰۱
 حکایت ۹۴۹ زن و شوهر عقیف ۷۰۲
 حکایت ۹۵۰ فرشته ی عفت ۷۰۳
 حکایت ۹۵۱ شمشیر و ازدواج ۷۰۴
 حکایت ۹۵۲ سرآمد گناهان ۷۰۵
 حکایت ۹۵۳ طرار امین ۷۰۶
 حکایت ۹۵۴ برکت امانت داری ۷۰۷
 حکایت ۹۵۵ وزیر خیانت کار ۷۰۷
 حکایت ۹۵۶ امانتدار تنگ دست ۷۰۹
 حکایت ۹۵۷ ای هم ادم و توانگر بی ادب ۷۱۰
 حکایت ۹۵۸ حرارت ۷۱۱
 حکایت ۹۵۹ شاپور و دختر خیانت کار ۷۱۱
 حکایت ۹۶۰ خرابکار خوب ۷۱۲
 حکایت ۹۶۱ حال پریشان امام سخاوت (ع) ۷۱۳
 حکایت ۹۶۲ گریه و خنده ۷۱۴
 حکایت ۹۶۳ مُلک سلیمان ۷۱۴
 حکایت ۹۶۴ تقسیم عادلانه ۷۱۴
 حکایت ۹۶۵ دستور خان مغول ۷۱۵
 حکایت ۹۶۶ عیب پوشی شگفت ۷۱۶
 حکایت ۹۶۷ ثواب بر نیت ۷۱۶
 حکایت ۹۶۸ تعارف بی مورد ۷۱۷
 حکایت ۹۶۹ خنده ی بی جا ۷۱۷
 حکایت ۹۷۰ خنده برای چه؟ ۷۱۸
 حکایت ۹۷۱ اعرابی و فالوده ۷۱۸
 حکایت ۹۷۲ مردم فریبی ۷۱۸
 حکایت ۹۷۳ خدا کجاست؟ ۷۱۹
 حکایت ۹۷۴ پاسخ کوبنده به خشکه مقدّس ۷۲۰
 حکایت ۹۷۵ فرمان ایست به هواپیمای
 غول پیکر ۷۲۱
 حکایت ۹۷۶ گردن بند گریه ۷۲۲
 حکایت ۹۷۷ اسکندر و دیوژن ۷۲۳
 حکایت ۹۷۸ بنده ی راستین ۷۲۳
 حکایت ۹۷۹ شتری که مغرور شد ۷۲۴
 حکایت ۹۸۰ معامله ی پیامبر با کودکان ۷۲۵
 حکایت ۹۸۱ عیسی (ع) و شستن پای
 حواریون ۷۲۵
 حکایت ۹۸۲ سلیمان بن عبد الملک ۷۲۶
 حکایت ۹۸۳ پدر سوخته تو هم «اَنَا انزلناه»؟ ۷۲۷
 حکایت ۹۸۴ سگ و غذای سلطان ۷۲۸
 حکایت ۹۸۵ پادشاهی بر خود ۷۲۸
 حکایت ۹۸۶ خیالات بزنطی ۷۲۹
 حکایت ۹۸۷ بنی کلاب ۷۳۰
 حکایت ۹۸۸ مثنوی هفتاد من ۷۳۱
 حکایت ۹۸۹ دل عربی ۷۳۱
 حکایت ۹۹۰ تعصب بی مورد ۷۳۲
 حکایت ۹۹۱ انتقام ۷۳۲
 حکایت ۹۹۲ مصالح بهشت ۷۳۲
 حکایت ۹۹۳ شکایت از مأمور ۷۳۳
 حکایت ۹۹۴ لجام موش ۷۳۴
 حکایت ۹۹۵ اخلاق در جنگ ۷۳۴
 حکایت ۹۹۶ این قرآن است نه دیوان! ۷۳۵
 حکایت ۹۹۷ بازی با آستین ۷۳۵
 حکایت ۹۹۸ فزون از ملایک ۷۳۷
 حکایت ۹۹۹ نقش کعبه مقدّس ۷۳۷
 حکایت ۱۰۰۰ وزیری و پوست گاو ۷۳۸
 حکایت ۱۰۰۱ استننا ۷۳۹
 فهرست اعلام ۷۴۰
 کتاب نامه ۷۶۲
 برخی از آثار مؤلف ۷۸۴

پیش‌گفتار

﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ﴾

امام علی (ع): مَا أَكْثَرَ الْعِبْرَةَ وَ أَقَلَّ الْإِغْتِبَارَ؛ یعنی: «مایه‌های عبرت، چه بسیار است و عبرت‌پذیری چه اندک!»^(۱)

راهی به سوی عاقبت خیر می‌رود راهی به سوء عاقبت، اکنون مخیری^(۲) یکی از امور سازنده و تکان دهنده و تحوّل بخش، فراز و نشیب‌های تاریخ و عبرت گرفتن و پندگیری از سرگذشت‌های آن است که برای همه لازم است وارد این کلاس شکفت شوند و از درس‌های زندگی پر فراز و فرود گذشتگان عبرت بگیرند، چرا که تاریخ همواره تکرار می‌شود و روزی خواهد آمد که زندگی ما نیز برای آیندگان، تاریخ گردد. تاریخ محرم‌های از تجربه‌ها، کام‌ها و ناکامی‌هاست و اصولاً فلسفه‌ی تاریخ همین است که تجربه‌های آن را دریافت کنیم و در زندگی خود عبور دهیم که گفته‌اند عبرت از عبور است.

همان گونه که خون در رگ‌های کالبد ما عبور می‌کند و موجب ادامه‌ی حیات جسمی ما می‌شود، فراز و نشیب‌های تاریخ نیز باید در رگ‌های روح و روان ما عبور کنند و به ما حیات معنوی بخشند.

مرد خردمند پسندیده را عمر دو بابت در این روزگار
تا به یکی تجربه اندوختن با دگری تجربه بسزای به کار
ولی باید گفت: عمر دیگر، لازم نیست؛ زیرا تاریخ، عمر صد بار و هزار بار با به ما
آموخته، بنابراین ما به اندازه‌ی کافی در تاریخ دارای تجربه هستیم.

گویند: در عصر ابوریحان بیرونی - دانشمند پرآوازه‌ی ایرانی - مردم می‌گفتند الماس دارای زهر است. مدّتی بود شاگردان او همان حرف مردم را تکرار می‌کردند، ولی ابوریحان گفت: الماس زهر ندارد، این موضوع جار و جنجال به راه انداخت،

سرانجام ابوریحان خواست با نشان دادن تجربه، به آنها بفهماند که الماس زهر ندارد، تصمیم گرفت در اجتماع مردم مقداری الماس را داخل نان نموده و به سگ بخوراند، مردم از هر سو اعتراض می کردند، چرا سگ زبان بسته را می کشی؟ و فریاد می زدند: الماس، زهر دارد.

سرانجام ابوریحان بدون توجه به جو سازی مردم، مقداری الماس میان نان ریخته، در مقابل داد و فریاد مردم، آن را به سگ داد، سگ الماس همراه نان را بلعید. ساعت ها از این حادثه گذشت، مردم دیدند، سگ مسموم نشد، دریافتند که الماس دارای زهر نیست؛ به این ترتیب ابوریحان با نشان دادن تجربه، به همگان فهماند که الماس، زهر ندارد. آری باید از تجربه این گونه استفاده و باور کرد. از این رو خداوند در قرآن به پیامبرش می فرماید: ﴿فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾^(۱)؛ این سرگذشت ها را برای انسان ها بازگو کن شاید بیندیشند و بیدار شوند.

و امیر مؤمنان علی (ع) می فرماید: «وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْقُرُونِ السَّالِفَةِ لَعِبْرَةً؛ همانا برای شما از سرگذشت های پیشینیان درس های عبرت مهمی است.»^(۲)

آن حضرت در سخنی دیگر افسوس می خورد که چرا انسان خیره سر از آن همه عبرت ها عبرت نمی گیرد و چرا عبرت گیرنده اندک است و می فرماید: مَا أَكْثَرَ الْعِبْرَةَ وَ أَقَلَّ الْإِغْتِبَارَ؛ یعنی: مایه ها و درس های عبرت، چه بسیار است و عبرت پذیری چه اندک!^(۳)

در این کتاب به فرازهایی از سرگذشت های آموزنده ی تاریخ پرداخته شده، به امید آنکه همه ی ما از آموزندگی های این سرگذشت ها بهره مند شویم.

به عنوان نمونه اگر کشورهای اسلامی از ماجرای ظهور و سقوط تمدن اسلامی در کشور اروپایی اندلس (اسپانیا) درس عبرت نگیرند، همواره می توان نگران تکرار اندلس بود؛ چون معروف است که تاریخ تکرار می شود.

در قسمتی از زیارت امام حسین (ع) می خوانیم: أَشْهَدُ لَقَدْ طَيَّبَ اللَّهُ بِكَ الشَّرَائِعَ

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۸۲.

۱. أعراف، ۱۷۶.

۳. نهج البلاغه، حکمت ۲۹۷.

أَوْضَحَ بِكَ الْكِتَابَ وَ جَعَلَكَ وَ أَبَاكَ وَ جَدَّكَ وَ أَخَاكَ وَ بَنِيكَ عِزَّةً لِأُولَى الْأَلْبَابِ؛ یعنی: «گواهی می‌دهم که به راستی خدا خاک [بی‌ارزش] را به وسیله‌ی تو خوشبو کرد و (حقایق) قرآن را به تو واضح کرد و قرار داد تو را و پدرت و جدّت و برادرت و فرزندان را مایه‌ی عبرت و پندی برای صاحبان خرد».

واژه‌ی عِبْرَت شش بار در قرآن مجید به کار رفته است. در فارسی آن را می‌توان معادل پند دانست، جمعش عِبَر (عبرت‌ها) است. هم خانواده‌های آن عبارت است از: عبور، عابر، مَعْبَر، مُعَبَّر و....

سیدالدین محمد عوفی مؤلف کتاب گران سنگ جوامع الحکایات و لوامع الروایات در پایان برخی از حکایت‌ها می‌نویسد: این حکایت، تنبیه است مرجمه‌ی عاقلان را که در افعال و اقوال از دیگران اعتبار گیرند و اخلاق دیگران را امام سازند و از آن چه به دیگری رنج رسد ببرد آن نگردند تا سر دفتر مکارم اخلاق محصول ایشان گردد و مؤدّب و مُهَدَّب گردند^(۱) یا در پایان حکایت مور [قانع] و زنبور [حریص] می‌نویسد: «اگر عاقل یک نظر در این سخن تأمل کند، از مواعظِ جمله واعظان مُستغنی (بی‌نیاز) گردد»^(۲)

و در جایی دیگر می‌نویسد: «فایده‌ی این حکایت آن است که هر کس خواهد که نامحرمان در حرم او خیانت نکنند، گو نظر در حرم مسلمانان گسسته دار که حق - تعالی - به برکت عَقّت تو، اهل حرم تو را در پرده‌ی عَقّت نگاه دارد».

در قرآن مجید مواردی وجود دارد که پس از ذکر داستان، درس عبرت و به اصطلاح نتیجه‌ی اخلاقی آن صریحاً ذکر شده است؛ مثلاً در داستان حضرت یوسف (ع)، آن حضرت در پاسخ برادرانش که از او پرسیدند «آیا تو یوسفی؟» می‌فرماید: «أَنَا يَوْسُفُ وَ هَذَا أَخِي قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ»^(۳)؛ [آری] من یوسفم و این برادر من است. خداوند بر ما منت نهاد؛ هر کس تقوا پیشه کند و شکیبایی و استقامت نماید [سرانجام پیروز می‌شود]؛

۲. جوامع الحکایات ، ۲۸۲.

۱. جوامع الحکایات ، ۱۹۰.

۳. یوسف ، ۹۰.

چرا که خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند.

همان گونه که ملاحظه می‌کنید، حضرت یوسف، رهایی خود از مشکلات گوناگون را مدیون پرهیزگاری و شکیبایی می‌داند. به عبارت دیگر اگر بخواهیم داستان سوره‌ی یوسف را در دو واژه خلاصه کنیم، آن دو واژه، پرهیزگاری و شکیبایی است. پس نتیجه‌ی اخلاقی و درس عبرتی که از داستان سوره‌ی یوسف به دست می‌آید، پرهیزگاری و شکیبایی است.

اگر آدمی اهل پندآموزی و عبرت گرفتن باشد، از کوچک‌ترین چیز عبرت می‌گیرد و اگر اهل پندآموزی و عبرت گرفتن نباشد، از هیچ سخنی اگرچه وحی الهی و کتاب آسمانی باشد، عبرت و پند نمی‌گیرد. به عنوان مثال به این حکایت لطیف توجه کنید: دو روباه در دامی افتادند، روباه اول خطاب به دومی گفت: ای برادر باز کی به هم می‌رسیم؟ روباه دوم پاسخ داد: بعد از دو روز. روباه اول پرسید: کجا؟ روباه دوم گفت: در دکان پوسن دوزی^(۱). مثلاً با نگاه کردن به یک میخ (ظاهراً بی‌ارزش یا کم ارزش) هم می‌توان درس عبرت گرفت؛ شاعر می‌گوید:

پافشاری و استقامت میخ سزدار^(۲) عبرت بشر گردد

به سرش هر چه بیشتر کوبند پافشاریش بیشتر گردد

یوسف را عبور و جریان آب نیز می‌توان عبرت گرفت، حافظ می‌گوید:

بنشین بر لب جوی و گذر عمر ببین کاین اشارت و جهان گذران ما را بس

به قول پروین اعتصامی:

همه کار ایام، درس است و پند دریغا که شاگرد، هشیار نیست!

امام علی (ع) می‌فرماید: أَبْلَغُ الْعِظَاتِ النَّظَرُ إِلَى مَصَارِعِ الْأَمْوَاتِ وَالْإِغْتِيَارُ بِمَصَارِعِ الْأَبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ.^(۳)

یکی از عواملی که موجب سقوط بعضی از انسان‌ها بوده و همواره آنان را در مسیر

۲. مخفف اگر.

۱. ایرج میرزا این داستان را به سم شنیده است.

گناه و نابودی قرار می‌دهد، غفلت است. هر انسانی، باید تلاش کند که خود را از خواب غفلت بیدار کند تا سرانجام در قیامت به پشیمانی و حسرت دچار نشود. آن کس که در خواب غفلت به سر می‌برد، اگر در این چند روزه‌ی دنیا سر از بالین غفلت برندارد، سرانجام پس از مرگ بیدار خواهد شد که آن بیداری سودی به حال او نخواهد داشت. حضرت علی (ع) می‌فرماید: *الْأَنْشُ نِيَامٌ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهُوا*. همه‌ی مردم خوابند، پس هنگامی که مُردند بیدار می‌شوند.

عوامل بیداری انسان از خواب غفلت فراوان است. باید انسان طالب آن باشد که خود را از خواب غفلت بیدار کند تا در زمره‌ی غافلان قرار نگیرد. یکی از چیزهایی که می‌تواند انسان را از خواب غفلت بیدار کند و او را به سر منزل مقصود برساند، توجه به سرگذشت گذشتگان است. خاصه آنانی که سرانجام آنها به خواری و ذلت کشیده شد و با سوء عاقبت از دنیا رفتند. خداوند بارها احوال گذشتگان اهل غفلت را، در قرآن کریم بیان می‌کند تا مایه‌ی عبرت‌بندگان باشد و دیگران در آن چاهی که آنان افتادند، واقع نشوند. در احوال آنان باید اندیشه کرد که چه اعمالی موجب سقوط آنان شد تا خدای ناکرده مرتکب آن اعمال نشویم و به سرنوشت آنان دچار نگردیم.

به لقمان حکیم گفتند: ادب از که آمرختی؟ گفت: از بی‌ادبان.^(۱)

امیرالمؤمنین علی (ع) در نامه‌ای خطاب به معاویه فرمود: اگر از حوادث گذشته پند گرفته بودی، نسبت به آن چه باقی مانده است، خود را حفظ می‌کردی.^(۲)

آنان که به سوء عاقبت دچار شدند، نتیجه‌ی اعمال و رفتارشان بود؛ چرا که قرآن کریم می‌فرماید: «اما خداوند سرنوشت هیچ قوم و ملت‌ی را تغییر نمی‌دهد مگر آن که آنان آن چه را در خودشان است تغییر دهند و هنگامی که خدا اراده‌ی سوزن به قومی به خاطر اعمال‌شان کند، هیچ چیز مانع نخواهد شد و جز خدا، سرپرستی نتوانند داشت.»^(۳)

پس از آن که دو کتاب «هزار و یک حکایت قرآنی» و «هزار و یک حکایت

اخلاقی» با استقبال مردم رو به رو شد، در صدد برآمدن کتاب دیگری با عنوان «هزار و یک حکایت عبرت انگیز» تألیف کنم. امیدوارم این کتاب - که اتفاقاً با شتاب تألیف شده - همچون دو کتاب دیگر برای خوانندگان مفید واقع شود.

در پایان، توجه خوانندگان گرامی را به چند نکته جلب می‌نمایم:

۱. در برخی موارد از قصه‌ها و حکایت‌هایی که در متن قرآن کریم وجود داشته و قصه‌های قرآن نامیده می‌شوند نیز در این کتاب استفاده کرده‌ایم؛ زیرا حکایات و قصه‌های قرآن همگی دارای درس عبرت هستند و اصولاً هدف قرآن از ذکر قصه به اصطلاح، قصه‌گویی و داستان‌سرایی نیست، بلکه قرآن می‌خواهد در قالب قصه و سرگزشت، نوعی عبرت را به مخاطب انتقال دهد. با توجه به اینکه قصه‌های قرآن، واقعی و حقیقی است، ولی دیگر حکایت‌ها - همان‌گونه که از واژه‌ی حکایت استفاده می‌شود - در برخی موارد، صدق در صدد واقعی نیستند؛ زیرا در برخی موارد، نویسندگان و دانشمندان، یک رشته مطالب اخلاقی و حکمی و پند و اندرز را در قالب داستان ریخته و جامه‌ی حکایت بر آن می‌پوشانند تا از ابتذال و تلخی پند و نصیحت بکاهند و به قول شیخ اجل سعدی: «داروی تلخ نصیحت، به شهد ظرافت برآمیزند و چراغی تابان از معنی و حقیقت، فدا راه مردمان بدارند».^(۱) این نویسندگان در این روش مسلماً کامیاب گشته و در نتیجه آثاری ارزنده در ادب پارسی و تازی و... بر جای گذاشته‌اند. کتاب «کلیله و دمنه» نمونه‌ی بارزی است از آن چه گفته شد.^(۲)

۲. به عنوان کاری ابتکاری، نام اکثر منابع و مأخذ عربی را به فارسی ترجمه کرده‌ایم؛ به عنوان نمونه:

بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار؛ «دریاهای نور»، دربردارنده‌ی مرواریدهای احادیث ائمه‌ی اطهار».

۱. گویند: شخصی از عارف بزرگ میرزا محمد رضا قمشه‌ای پرسید: «این حرف‌هایی را که عرفا می‌روند، بافتند یا یافتند؟» ایشان در جواب فرمود: «اگر یافتند، خوب یافتند و اگر بافتند، خوب بافتند» هزار و یک نکته (آیت الله حسن حسن زاده آملی)، ۶۲۱ نکته‌ی ۷۷۶؛ به نقل از: مرحوم آیت الله شیخ محمد تقی آملی.

۲. جناب مولوی می‌گوید:

معنی اندر وی بسان دانه است
ننگرد پیمانه را اگر گشت نقل

ای برادر، قصه چون پیمانه است
دانه‌ی معنی بگیرد مرد عقل

مِعْرَاجُ السَّعَادَةِ: «نردبان خوشبختی».

زُهْرُ الرَّبِيعِ: «شکوفه‌های بهاری».^(۱)

مَجَالِسُ الْمَوَاعِظِ وَ الْبُكَاءِ: «مجلس‌های نصیحت و گریه».

جَوَامِعُ الْحِكَايَاتِ وَ لَوَائِعُ الرِّوَايَاتِ: «داستان‌های جامع (کامل) و روایت‌های درخشان».

رُوحُ الْجَنَانِ وَ رُوحُ الْجِنَانِ: «روح بهشت و راحتی دل».

مُنْتَهَى الْأَمَالِ فِي ذِكْرِ تَوَارِيخِ النَّبِيِّ وَ الْأَلِّ: «نهایت امیدها در ذکر تاریخ پیامبر و خاندانش».

۲. برای اثربخشی مواعظ، حکمت‌ها و عبرت‌ها به چند عامل نیاز است؛ یکی از عوامل مهم این است که خود شخص بخواهد از مواعظ پند بگیرد و به اصطلاح، واعظ درونی داشته باشد.^(۱) امام باقر(ع) می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ نَفْسِهِ وَاعِظًا فَإِنَّ مَوَاعِظَ النَّاسِ لَنْ تَغْنِيَهُ عَنْ شَيْئٍ؛ کسی که از درون خود، واعظ و پند دهنده‌ای برای خود قرار نداده است، بندهای مردم او را بر نیاز نمی‌کند».^(۲)

قرآن مجید می‌فرماید: ﴿وَمَا تُفْنِي الْأَيَّاتِ وَ التَّنْذُرَ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ﴾^(۳)؛ این آیات و اندازها به حال کسانی که [به خاطر لجاجت] ایمان نمی‌آورند، مفید نخواهد نبود. به یک حکایت در این باره توجه کنید. گویند: شاعر معروف عرب، ابوالعتاهیه روزی از کنار دکان صحافی می‌گذشت که چشمش به کتابی افتاد که در آن بیت زیر نوشته شده بود:

لَا تَرْجِعْ الْأَنْفُسَ عَنْ غَيْبِهَا مَا لَمْ يَكُنْ سِنَهَا أَبَا زَاوَرٍ^(۴)

ابوالعتاهیه از دکاندار پرسید: این بیت از کیست؟ مرد گفت: از ابونواس شاعر که آن را هنگام نصیحت کردن هارون الرشید و برحذر داشتن وی از دوستی مفاخر

۱. «زُهْر» جمع زُهْرَة (یا زُهْر) است که اگر «زُهْرُ الرَّبِيعِ» خوانده شود به معنای «شکوفه‌ی بهاری» است.

۲. به قول حافظ:

چنگ در پرده همین می‌دهدت پند، ولی وعظات آن گاه کند سود که قابل باشی
۳. بحار الانوار ۷۸، ۱۷۳، باب ۲۲، ح ۱۵. (بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار؛ «دریاهای نور، جامع مرواریدهای اخبار ائمه‌ی اطهار».

۴. یونس، ۱۰۱.

۵. مردم (هرگز) از فساد و تباهی دست برنمی‌دارند، مادامی که از درون خودشان، منع‌کننده‌ای نداشته باشند.

فریبدهی دنیا سروده است. ابوالعتاهیه گفت: ای کاش نیمی از اشعارم را می‌دادم و تنها این یک بیت از آن من بود! ^(۱)

۴. در اکثر قریب به اتفاق موارد از نتیجه‌ی اخلاقی گرفتن در پایان حکایت‌ها و عبرت‌ها خودداری کرده‌ایم، مگر در مواردی که مطلب نقل شده، خود دارای نتیجه‌ی اخلاقی باشد که آن را عیناً نقل کرده‌ایم.

۵. بیشتر مطالبی که تحت عنوان «عرض می‌کنم» آورده‌ام از این جانب (نگارنده) است.

۶. محصول کار بشرِ عادی و غیر معصوم، از اشتباه و نقص خالی نیست؛ از این رو از خوانندگان محترم می‌خواهم که اگر به اشتباهی برخوردند، بر این بنده منت نهند و از تذکر و ارشاد (البته خیرخواهانه) دریغ نورزند که با سپاس فراوان پذیرفته خواهد شد.

که هستی را نمی‌بینم بقایی

کند در حقِ درویشان، دعایی

قم، اسفند ۱۳۸۹

محمد حسین محمدی

غرض، نقشی است که ما باز ماند

مگر صاحب‌دلی روزی رحمت

۱. الْمُسْتَظَرَفُ ۲، ۸۷۱ الْمُسْتَظَرَفُ فِي كُلِّ فَنٍّ مُسْتَظَرَفٌ؛ «گلچینی از مطالب جالب و خواندنی؟»